

نشانی از آیین‌های خون‌بار و مناسک خشن نیست؛ آیین‌هایی که جان‌های زلال از آن گریزان‌اند و آن را از اسباب دوری از دین خداوند متعال، یعنی اسلام، می‌شمارند.

(۱۱) و مبتنی است بر هر آنچه با فطرت پاک همسوسست و با عقل صریح و سلیم در تعارض نیست، و هیچ مخالفتی با معقولات ندارد.

- کدام یک از دو اعتقاد؟

- پاسخی که در آن نه راهی برای بی‌طرفی و گریز هست و نه جایگزینی برایش تصور میشود، و هیچ تردیدی در آن وجود ندارد، این است که:

- فطرت‌های پاک و بی‌آلایش، و نفس‌های زکّیه و پرهیزگار که تنها به‌سوی خداوند متعال روی آورده‌اند، و عقل‌های سنجیده و رشید، نمی‌توانند چیزی جز آنچه بر آن اهل سنت پیامبر محبوب حضرت محمد ﷺ هستند را بپذیرند؛ یعنی اعتقادی ناب و صاف، بی‌هیچ شائبه و کدورتی. و هرگز به چیزی جز آن رضایت نخواهند داد.

- **و در پایان، پرسشی است برای هر یک از اهل تشیع، و آن اینکه:**

- چه چیزی میان تو و اندیشیدن بی‌طرفانه و صادقانه درباره‌ی اعتقاد اهل سنت پیامبر محبوب حضرت محمد ﷺ مانع می‌شود؟ و اینکه آیا این مذهب، اعتقادی درخور پذیرش خداوند متعال و رضای او از بندگانش فراهم نمی‌آورد؟ آیا چنین چیزی را در دیگر فرقه‌های منتسب به اسلام می‌یابی؟

زیرا تو در برابر خداوند متعال نسبت به باورهایت مسئول خواهی بود، و باید در گزینش آن‌ها، صداقت و اخلاص را پیشه سازی.

- و تو ای یکتاپرست، چه زبانی خواهی دید اگر محبت صحابه‌ی بزرگوار پیامبر حضرت محمد ﷺ را که از سوی خداوند علیم و حکیم برای همراهی و یاری‌رسانی به پیامبرش برگزیده شدند، به **دل داشته باشی؟** آنان که پس از پیامبر دین او را گسترش دادند. و اگر نسبت به آنان حسن‌ظن داشته باشی، آیا چیزی از محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ و احترام به مادران مؤمنان چون حضرت عائشة . که محبوب‌ترین همسر پیامبر محمد ﷺ بود . و حفصه و دیگر همسران پیامبر، که خداوند تبارک و تعالی به حکمت و علم خود، **آنان را تا پایان عمر پیامبر در کنار او باقی داشت و او نیز از ایشان راضی درگذشت،** کاسته خواهد شد؟! رضوان‌الله علیهن أجمعین. و تو قدر و منزلت ایشان را نادیده نگرفته‌ای.

دروود و سلام و برکت خداوند بر حبیبش و پیامبرش محمد، و بر خاندان پاک و برگزیده‌اش، و بر صحابه‌ی بزرگوارش، و بر هر کسی که راه آنان را پی گیرد و به هدایت آنان اقتدا کند و تا روز قیامت به سنت آنان تمسک جوید.

خداوند ما را همگی به حسن بهره‌گیری و بهره‌برداری از نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده، به‌ویژه نعمت عقل، و تشخیص به‌وسیله‌ی آن میان حق و باطل، خوب و بد، و رسیدن به آنچه فطرت‌های پاک بر آن سرشته شده‌اند . یعنی رسیدن به برترین، والاترین و شایسته‌ترین اعتقاد نزد خداوند سبحان . رهنمون گرداند.

خداوند تبارک و تعالی ما را همگی به خبر و رشد و هدایت راهنمای فرماید.
- برای اطلاعات بیشتر به کتاب: «اهل بیت از خود دفاع می‌کنند» تألیف سید حسین موسوی مراجعه شود؛ که از علمای اهل تشیع در نجف بود پیش از آنکه به مذهب اهل سنت پیامبر محبوب حضرت محمد ﷺ بگروید.

- و این همان است که خردمندان بر آن متفق‌اند، زیرا بهترین مردم، کسانی‌اند که خداوند برای همراهی پیامبران، یاری یاری‌رسانی به آنان و نشر دین‌شان برگزید؛ همان‌گونه که اصحاب موسی و حواریون عیسی علیهما السلام بودند، و در صدر ایشان اصحاب پیامبر اسلام ﷺ که در هنگام نزول قرآن همراه او بودند و قرآن، آنان را تربیت و تزکیه و تطهیر می‌کرد.

- پس اسلام، دین خداوند متعال است که برای بیرون آوردن انسان‌ها از تاریکی‌ها به سوی روشنائی آمده است؛ دینی که جان‌ها را تزکیه می‌کند و روان‌ها را پاک می‌سازد. و نیکوترین گواه بر این حقیقت، اصحاب گرامی پیامبر محمد ﷺ هستند.

(۶) و بر پایه تحریم زنا و روابط جنسی حرام است؛ از جمله تحریم چیزی که با نام «ازدواج موقت» شناخته می‌شود، که با پایان‌یافتن زمان تعیین‌شده برای ارضای شهوت زن و مرد، پایان می‌پذیرد. هیچ انسان آزاده‌ای که غیرت داشته باشد، نمی‌پذیرد که یکی از دختران یا خواهران یا بستگانش تحت این عنوان مورد تمتع قرار گیرد.

(۷) و بر پایه تشریعات حکیمانه الهی است که از خلال آن‌ها مردم به حکمت اسلام پی می‌برند و از این طریق، به صداقت آن و راستی فرستاده‌اش، پیامبر محمد ﷺ، یقین می‌یابند و گروه گروه به آن می‌گروند؛ همچون فریضه زکات که خداوند آن را بر ثروتمندان مسلمانان واجب ساخته تا در راه فقیران‌شان صرف شود، و همچنین خمس غنائم جنگی که باید در راه نیازهای مسلمانان و مصالح ایشان هزینه گردد.

در مقابل، نباید اموال مردم به ناحق خورده شود، همان‌گونه که برخی از امامان تشیع آن را با ادعای استفاده از عنوان خمس برای فریب مردم و جمع‌آوری ثروت‌های کلان بر پایه ادعای اثبات‌نشده عقلی و فطری غیبت امام دوازدهم برای بیش از ۱۰۰۰ هزار سال به کار می‌گیرند، بی‌آن‌که کسی از سرنوشت آن اموال آگاه باشد، و این‌گونه مردم را از دینی که حاوی چنین امور بی‌اساسی به نظر می‌رسد، دور می‌سازند.

(۸) و مبتنی است بر توحید کامل و خالص برای خداوند جلّ و علا، و پرهیز از قرار دادن هرگونه واسطه‌ای میان بنده و پروردگارش که او را آفریده است. و به‌تبع آن، در تضاد کامل است با روش مشرکان و بت‌پرستان پیش از اسلام، و نیز با آنچه پیروان تشیع بر آن‌اند؛ از جمله پناه بردن و استغاثه به کسانی که در گورهای خویش آرمیده‌اند و طواف بر گرد مزارهای ایشان، در حالی که برایشان قداستی قائل‌اند و مدعی نفع‌رسانی ایشان پس از مرگ‌اند.

(۹) و مبتنی است بر اینکه حکم، خاص خداوند سبحان است؛ از طریق کتاب آسمانی خاتم که بر همه‌ی کتاب‌های آسمانی پیشین چیره است، یعنی قرآن کریم؛ همان کتابی که خداوند جلّ و علا خود متعهد به حفظ آن از هرگونه ضیاع و تحریف تا روز قیامت شده است.

چرا که کتاب‌های آسمانی پیشین، دچار تحریف و نابودی گشتند، چون حفظ آن‌ها به انسان‌ها واگذار شده بود. و این نیست مگر بدان سبب که اسلام، دین خدای سبحان است؛ و پس از قرآن کریم، هیچ کتاب آسمانی دیگری نخواهد آمد، و بعد از پیامبر اکرم حضرت محمد ﷺ نیز هیچ پیامبر یا رسولی نخواهد آمد.

(۱۰) و استوار است بر شریعتی آسمانی که با سرشت پاک انسانی در نهایت سازگاری است؛ شریعتی که در دل خود عباداتی راه‌نما و روشن‌گر را جای داده است؛ عباداتی که دل را می‌گشاید و جان را آرام می‌سازد، و خرد را به اندیشه و تأمل در صداقت و حقایق اسلامی که آن را به ارمغان آورده، فرامی‌خواند؛ بی‌آنکه ذهن‌های سالم را بیالاید یا فطرت‌های پاک را بیازارد، چنان‌که در آن

اما عقاید اهل سنت پیامبر محبوب، حضرت محمد مصطفی ﷺ، بر خلاف آن‌چیزی‌ست که بدان اشاره شد؛ بلکه این عقاید بر اصولی استوارند، از جمله:

(۱۱) بزرگداشت خداوند متعال و اعتقاد به کمال صفات او، از جمله قدرت مطلقه‌اش، و آن‌چه از این صفات لازم می‌آید، چون علم ازی و فراگیر او به گذشته و حال و آینده، و نیز حکمت کامل او در تمامی افعال و مشیت‌هایش؛ چرا که هیچ چیز نیک یا بد، اندک یا بسیار، بر او پوشیده نمی‌ماند و چیزی برای او تازه نمی‌نماید.

(۲) ایمان به تمامی فرشتگان و پرهیز از هرگونه کاستن از شأن ایشان، و باور به این‌که برترین و شریف‌ترین آنان جبرئیل علیه‌السلام است، امین وحی آسمان، چرا که او برگزیده‌ی خداوند تبارک و تعالی است برای نزول وحی.

و کتاب‌های آسمانی، به‌ویژه با نزول برترین و آخرین آن‌ها که بر همه‌ی کتب پیشین سیطره دارد، یعنی قرآن کریم.

(۳) و بر پایه ایمان به قرآن کریم است، کتابی که خداوند تبارک و تعالی حفظ آن را تا روز قیامت تضمین فرموده است، چرا که پس از آن هیچ کتاب آسمانی دیگری نازل نخواهد شد که بشر بتواند بدان راه یابد؛ از این‌رو حکمت الهی اقتضا کرد که قرآن کریم را از تحریف و نابودی محفوظ بدارد.

(۴) و نیز بر پایه محبت به اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ، آن پاکان برگزیده ، و شناخت جایگاه رفیع ایشان، از جمله همسران پیامبر ﷺ، که در میان آنان حضرت عائشة و حفصه—رضی‌الله عنهما—نیز جای دارند، و سپس بزرگداشت پیامبر خاتم حضرت محمد ﷺ.

- آیا عقل سلیم می‌پذیرد که انسان، حضرت فاطمه دختر پیامبر ﷺ را دوست بدارد و مقام او را ارج نهد، ولی مادر او حضرت خدیجة—رضی‌الله عنها—را که خداوند دانای حکیم او را در عصمت پیامبرش تا هنگام وفات نگاه داشت، از اهل بیت پیامبر نداند؟! قطعاً خیر.

- و همین‌گونه است حال همه همسران پیامبر ﷺ که خداوند علیم حکیم آنان را در عصمت پیامبرش محمد ﷺ تا پایان عمر شریف او قرار داد؛ از جمله حضرت عائشة و حفصه—رضی‌الله عنهما—و دیگر امهات المؤمنین و همه اهل بیت پیامبر ﷺ.

(۵) و بر اساس احترام به کسانی است که خداوند تبارک و تعالی، به حکمت و علم خویش، همراهی پیامبرش محمد ﷺ را برای آنان برگزید؛ رضوان خدا بر همه ایشان باد، به‌ویژه آن بزرگوارانی که خداوند متعال ایشان را برای خلافت راشده بر منهاج نبوت برگزید و پیامبر اکرم ﷺ نیز بشارت آن را داده بود؛ یعنی ابوبکر، عمر، عثمان، علی و حسن بن علی—رضی‌الله عنهم—و شناخت حق و فضل آنان و حمل هرگونه اختلاف میان اصحاب پیامبر ﷺ بر حسن نیت پندارد، چرا که آنان در نهایت، انسان‌هایی بودند که گاه به صواب می‌رسیدند و گاه خطا می‌کردند، و برای آن که صواب گفت دو اجر داشت و آن که خطا کرد، اجر اجتهاد خویش را داراست.

آنان نخستین ایمان‌آوردندگان به پیامبر خدا ﷺ بودند، یاران و یاوران او ﷺ در دوران دعوتش، و سپس پرچمداران این دین بزرگ که آن را به شرق و غرب، شمال و جنوب رساندند و با نصرت الهی، بشارت‌های پیامبر ﷺ را به انجام رساندند؛ از جمله فتوحات و گرویدن مردم به دین خدا به صورت گروهی.

رسالة "كلمة سواء" من أهل سنة الحبيب النبي محمد ﷺ إلى أهل التشيع [باللغة الفارسية]

پیام "کلمه‌ای مشترک"

از اهل سنتِ پیامبر محبوب، محمد مصطفی ﷺ،

به سوی پیروان تشیع.

«بی‌گمان کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و

فرقه‌فرقه شدند، تو هیچ پیوندی با آنان نداری. کار آنان

به دست خداوند است، و او آنان را از آنچه می‌کردند،

آگاه خواهد ساخت» (سوره الأنعام، الآیة ۱۵۹)



مؤلف : محمد السید محمد

عرب‌هایی که امپراتوری‌شان—یعنی امپراتوری فارس—را در زمان فتوحات صحابه پیامبر از میان برداشتند و اسلام را گسترش دادند.

- از همین رو، ریشه پیدایش باورهای شیعی به عبدالله بن سبا یهودی بازی‌گردد؛ شخصی که منابع شیعی نیز از او نام برده‌اند. او با نفاق اسلام آورد تا به آن ضربه بزند و مسیرش را منحرف سازد—چنان‌که در گذشته با دین مسیحیت چنین کردند—تا آن را مطابق با خواسته‌های یهودیان، به‌ویژه صهیونیست‌های فراماسون، تغییر دهند و انتقام خود را از اسلام و پیروانش بگیرند.

- **نکته‌ای درخور تأمل:** اگر پیامبر اکرم ﷺ پس از سه شب اقامت در غار، همراه با ابوبکر صدیق از آنجا بیرون نمی‌آمد، و اگر مشرکان موفق به قتل او ﷺ می‌شدند، آیا هیچ‌کس به اوﷺ ایمان می‌آورد؟ حال چگونه از مردم خواسته می‌شود به امامت شخصی ایمان آورند که مدعی‌اند حدود ۱۲۰۰ سال است که در غیبت به‌سر می‌برد، هرگز ظاهر نشده و هیچ‌کس او را ندیده است؟! و نه تنها این، بلکه حاکمیت او نیز براساس شریعت خاتم‌النبیین مجد ﷺ نخواهد بود! آیا عقل سلیم و منطق روشن می‌پذیرد که کسی به چنین امر نامعقولی ایمان آورد؟

۱۰- و نیز آداب و مراسمی دینی که نه تنها با عقل در تعارض است، بلکه فطرت‌های سالم نیز آن را نمی‌پذیرند، و برگزارکنندگان آن‌ها به سوژه تمسخر و خنده حتی از سوی مشرکان و بی‌خدایان تبدیل می‌شوند. نمونه آن مراسمی است که در روز عاشورا برگزار می‌شود؛ مانند شکافتن سر و ریختن خون با زدن زنجیر و شمشیر بر بدن، که صحنه‌هایی رقت‌بار و اسفناک ایجاد می‌کند.

- **شاید خواننده این سطور از آنچه می‌خواند دچار شگفتی شود و از خود بپرسد: آیا آنچه می‌خوانم واقعیت دارد یا مبالغه‌ای است اغراق‌آمیز؟**
آیا این امور واقعاً اتفاق می‌افتد؟
کدام دین چنین اعمالی را تجویز می‌کند؟

- آیا پیامبر خاتم، حضرت مجد ﷺ، با دین حنیف اسلام و شریعت رحمت‌محورش، آمده تا به چنین یاه‌گویی‌هایی دستور دهد، که مردم را از اسلام گریزان کند و پیروانش را به مضحکه ملت‌ها از شرق تا غرب عالم تبدیل نماید؟!

- آن‌چه بدان اشاره کردیم، عین حقیقت است؛ و اگر خواننده از آن‌چه بیان داشتیم دچار شگفتی شده باشد، می‌تواند خود به چشم، صحنه‌هایی از این‌گونه مراسم را ببیند، به‌ویژه در این روزگار رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنت.

- و در آن هنگام، نه تنها دیگر دچار شگفتی نخواهد شد، بلکه وحشتی عمیق سراسر وجودش را فرا خواهد گرفت از آن‌چه به چشم می‌بیند: صحنه‌ی خون‌هایی که در میان مردان و زنان، بلکه در میان کودکان و خردسالان جاری است.

- و هیچ دینی بر روی زمین وجود ندارد که به چنین هرج‌ومرجی فرمان دهد؛ بلکه این خواسته‌های نفسانی‌اند که اگر به ضوابط شریعت الهی، جَلَّ جَلالُه، مقبَد نشوند، انسان را در مسیری آشفته و پریشان می‌برند و او را از راه راست خداوند منحرف می‌سازند.

ممنوع شد، همان‌گونه که شراب، پس از بررسی شرایط اجتماعی، **حرام اعلام** شد. و پس از آن، **زواج متعه** به زنا تبدیل گشت، از آن نوع زنا که از **نظر شرع ناپاک** و **بلید** است.

- **پس عبرت، به نهایت امر در شریعت آسمانی است؛ شریعتی که پس از آن هیچ شریعت دیگری نیست.** اگر به حکمت الهی بنگریم - خدایی که از نهان‌ها آگاه است - می‌بینیم که زواج متعه سرشار از مفاسد است، و همین باعث شد که به طور ابدی حرام گردد، همان‌گونه که شراب در نهایت کاملاً و در هر زمانی ممنوع شد، چه اندک باشد و چه بسیار.

۷- و آن‌که باطل را ابزار خوردن اموال مردم قرار داده و ثروت‌های هنگفتی گرد می‌آورد، تا در اختیار کسانی قرار گیرد که ادعا دارند نمایندهٔ "امام غایب" هستند، و این از راه گرفتن خمس از درآمدها صورت می‌گیرد، با این بهانه که این اموال باید برای (؟امام دوازدهم) - که ادعا می‌کنند بیش از هزار سال پیش به سردابی گریخته و پنهان شده - ذخیره شود تا زمانی که بازگردد!

پس این کدام تشریع تازه و جعلی است که نه در زمان پیامبر ﷺ وجود داشت و نه هیچ‌یک از ائمهٔ پیشین شیعه آن را می‌شناختند؟ چگونه ممکن است هزار سال مالیات جمع شود و نزد کسانی باقی بماند که خود را نائب او می‌دانند، پی‌آن‌که بر فقرای مسلمانان بخش شود؟! این اموال اکنون کجاست؟ و چگونه بر آن نظارت می‌شود؟!

۸- و آن‌که به عقایدی آلوده به شرک و کفر روی می‌آورد، از راه بزرگ‌داشت و ستایش افراطی کسانی که مدعی قداست آن‌ها هستند، و باور به نفع‌رسانی ایشان پس از مرگشان، و پناه بردن و استغاثه به آن‌ها، و چرخیدن به گرد قبور و آرامگاه‌هایشان....تا آخر

افتراات و ادعاهایی که با فطرت‌های پاک انسانی در تضاد بوده و از ابتدایی‌ترین معیارهای عقل و منطق به دور است.

گویا دعوت پیامبر اکرم ﷺ هیچ ثمری نداشته، چراکه آنچه امروز شیعیان انجام می‌دهند، تفاوتی با اعمال مشرکان و بت‌پرستان در زمان بعثت پیامبر ﷺ

ندارد؛ همانانی که به بت‌ها پناه می‌بردند، از آن‌ها استغاثه می‌کردند و آنان را واسطه میان خود و خدای خالق جَلَّ جلاله قرار می‌دادند.

۹- و نیز اعتقاد به این‌که در آخرالزمان، حاکمیت از سوی امام غایب آنان صورت می‌پذیرد؛ امای که مدعی‌اند به سبب ترس از دشمنانش بیش از هزار سال پیش در سردابی پنهان شده و تا امروز نیز ظهور نکرده است. حال آنکه در طول قرن‌ها حکومت‌های شیعی متعددی پدید آمدند که می‌توانستند او را یاری و از او حمایت کنند، اما او هرگز ظاهر نشد. چنین حاکمیتی نه بر اساس قرآن کریم که کتاب خاتم پیامبران ﷺ میباشد، و برترین کتب آسمانی بوده ! ؛ بلکه بر اساس شریعت خاندان داوود علیه السلام —یعنی داوود و سلیمان علیهما السلام— ادعا می‌شود؛ که این خواسته‌ای است هم‌راستا با تمایلات یهودیان و برنامه‌هایشان.

در آن زمان شمشیر بر علیه عرب‌ها کشیده می‌شود و خون‌های فراوانی ریخته خواهد شد؛ که این نیز همسو با دشمنی دیرینه مجوس با عرب‌هاست، همان

ابلاغ کرده است! گویی که این امر بزرگ بازیچه‌ای است در معرض اشتباه یا خیانت، و نه تدبیر دقیق و حکیمانه‌ی خداوند متعال.

۳- باور به تحریف قرآن کریم، که همان کتاب الهی، معجزه جاوید پیامبر اسلام و مایه اثبات نبوت او تا روز قیامت است. برخی مدعی‌اند که قرآن واقعی نزد علی (ع) و امامان پس از او بوده و مخفی مانده است!

امروز دربارهٔ امتی سخن می‌گوییم که گویی اسلام برایشان پیام نهایی و خاتم نیست؛ پیایی که لازم است از تحریف و نابودی در امان بماند، تا مردم همگی بدان دعوت شوند، به‌ویژه از راه حفظ کتاب آسمانی آن که نگهبان همهٔ کتاب‌های پیشین است.

۴- و آن‌که زبان به ناسزا و طعن به حریم رسول خدا ﷺ می‌گشاید، همسر گرامی‌اش، مادر مؤمنان، عایشه رضی‌الله‌عنها را متهم می‌سازد، گویی عایشه زنی نبود که خداوند دانا و حکیم او را در عصمت پیامبر ﷺ نگه داشت تا لحظهٔ وفاتش، در حالی که رسول خدا ﷺ در خانهٔ او بستری بود و از دنیا رفت، در حالی که از او راضی بود. آشکار است که عایشه رضی‌الله‌عنها محبوب‌ترین زن پیامبر ﷺ بود و آن حضرت ﷺ با هیچ دوشیزه‌ای جز او ازدواج نکرد.

۵- و آن‌که به کسانی دشنام می‌دهد و آن‌ها را لعن می‌کند که خداوند برای یاری رساندن به پیامبر بزرگش مجد ﷺ برگزید؛ همان یاران پاک‌سرشت پیامبر - رضوان الله علیهم اجمعین - که در راه او ایستادند و دینش را گسترش دادند. گویی خداوند در انتخاب همراهان پیامبرش ناتوان بود و پیامبر ﷺ نیز در پرورش آنان بر طریق حق ناکام ماند! گویی کسانی که پرچم اسلام را پس از او بر دوش گرفتند و آن را به دورترین سرزمین‌ها رساندند، شایستهٔ همراهی با او نبودند؟ پناه بر خدا.

آیا معقول است اگر از پیروان ادیان پیشین بپرسیم که بهترین مردمان شما چه کسانی‌اند، یهودیان بگویند: یاران موسی، و مسیحیان بگویند: حواریون عیسی، ولی اگر از پیروان تشیع بپرسیم بدترین مردمانتان کیستند، بگویند: یاران مجد ﷺ؟!

گویی همهٔ خیر در غیر از امت اسلام است، و اسلام در تربیت و تزکیهٔ نفس‌ها ناتوان بوده، چنان‌که پیروان تشیع گمان می‌برند، و این ناتوانی را در بیشتر یاران پیامبر ﷺ می‌بینند.

۶- و آن‌که به تجویز روابط جنسی حرام، از راه ازدواجی روی می‌آورد که خدا و پیامبرش ﷺ آن را حرام شمرده‌اند (که به زواج متعه شهرت دارد)، در حالی‌که این ازدواج، مدت‌دار و موقتی است و اگرچند مدت خیلی کوتاه باشد، پس از برآورده شدن شهوت زن و مرد عقد فسخ می‌شود.

آیا ائمهٔ شیعه می‌پذیرند که با دختران خود چنین ازدواجی شود؟!

آیا انسانی آزاده و غیور می‌تواند راضی شود که چنین ازدواجی با دختران یا خواهران یا بستگانش صورت گیرد؟! قطعاً نه.

نکته: " زواج متعه پیش از اسلام وجود داشت، اما اسلام آن را در مراحل بعدی ممنوع کرد، مانند تحریم تدریجی شراب. در آغاز، اولویت با تثبیت پایه‌های دولت اسلامی بود، و سپس با در نظر گرفتن علل و شرایط آن زمان، این ازدواج

پیام "کلمه‌ای مشترک"

از اهل سنتِ پیامبر محبوب، مجد مصطفی ﷺ، به سوی پیروان تشیع.

برای وحدت امت اسلامی و تمام کسانی که به اسلام منتسب‌اند، بر اساس آنچه خداوند سبحان در نهاد فطری انسان‌های سالم و خردمند نهاده است؛ و از رهگذر نگاهی عقلی و منطقی.

■ **"با توجه به چالش‌های بزرگ و سنگینی که امت اسلامی در عصر حاضر با آن مواجه است—از جمله هجوم دشمنان، بهره‌کشی از ثروت‌ها، فرسایش منابع انسانی، اشغال سرزمین‌ها و هتک حرمت مقدسات اسلامی، به‌ویژه مسجدالاقصی، نخستین قبله مسلمانان و معراجگاه پیامبر خاتم، حضرت مجد ﷺ—امروز بیش از هر زمان دیگری، نیازمند اتحاد زیر پرچم واحد اسلام و گرد آمدن بر «کلمه‌ی حق» هستیم؛ همان کلمه‌ای که دل‌های پاک از آن اختلافی ندارند.**

● **از همین رو و با نگاهی خالص و به دور از هواپرستی و تعصبات مذهبی، و بر پایه‌ی آنچه عقل سلیم و فطرت ناب انسانی بر آن توافق دارند، ما اهل سنت پیامبر عزیزمان مجد ﷺ، دست برادری به سوی تمام شیعیان با تمام فرقه‌هایشان دراز می‌کنیم، و دعوت می‌نماییم به:**

- **اتحاد بر فطرت الهی که انسان‌ها بر آن آفریده شده‌اند، پیش از آن‌که دست تحریف و تغییر به سرشت انسانی برسد، چراکه هر نوزادی بر فطرت پاک زاده می‌شود، و خداوند نعمت اندیشه و عقل را به انسان عطا کرده تا بتواند در امور مهم و اساسی—به‌ویژه باور و عقیده که در برابر آن، نزد پروردگار خویش بازخواست خواهد شد—تمیز دهد میان درست و نادرست، و انتخاب کند بهترین و والاترین اعتقاد را، که مورد پذیرش خداوند متعال است.**

از همین‌رو، بر اساس نگاهی عقلانی و منطقی، و بی‌تکیه بر نقل‌هایی که صحت یا ضعف یا ناپذیرفتنی بودن آن‌ها مورد بحث است، پرسشی مهم مطرح می‌گردد برای تمییز حق از باطل:

- کدام یک از دو اعتقاد، با عقل روشن و سلیم هماهنگ‌تر است و با آن تضادی ندارد؟

- و کدام یک نزدیک‌تر است به آنچه فطرت پاک انسانی بر آن سرشته شده، و آن را راهی برای رسیدن به والاترین و مقبول‌ترین عقیده نزد خداوند می‌داند؟

آیا آن‌چه در باورهای شیعه‌ی رافضی و فرقه‌های تابع آن آمده، صحیح است؟ باورهایی‌چون:

۱- نسبت دادن نقص به خدای متعال در علم و حکمتش، مانند عقیده‌ی «بداء»، به این معنا که خداوند چیزی را مقدر کرده باشد، ولی بعداً رأی دیگری برایش ظاهر شود! **همان‌گونه که از امام جعفر صادق نقل کرده‌اند که درباره‌ی درگذشت فرزندش اسماعیل گفت: «خداوند در هیچ چیزی همچون اسماعیل پسرم بداء نکرد؛ او را در حیاتم قبض روح کرد تا روشن شود که بعد از من امام نیست.»** گویی خدای دانای مطلق، در تقدیرات خود دچار تردید و تغییر می‌شود! پناه بر خدا.

۲- اعتقاد به دشمنی با فرشتگان مقرب، چنان‌که برخی از فرقه‌های شیعه مدعی‌اند که جبرئیل امین، که مأمور نزول وحی و حامل قرآن کریم بر پیامبر خاتم است، دچار خطا یا خیانت شده و به‌جای علی بن ابی‌طالب، رسالت را بر پیامبر